

است که از لفظ به ذهن متبادر می‌شود. ویرایش بدین معنی عرض عریضی دارد. زیرا اصلاح یک متن در سه جهت مذکور حدیقف ندارد. اگر دانش و حسن سلیقه باشد، نوشته را می‌توان پیوسته نیکوتر و زیباتر ساخت. اما ویرایش به معنی اصطلاحی حد و مرزی مشخص و ویراستار وظایفی معلوم و معین دارد (به بیانی که خواهد آمد) که از آن فراتر رفتن نه بر عهده او و نه حق اوست؛ مگر آنجا که از باب استثنا، صاحب اثری اعتماد کامل به ویراستاری دارد و به او اختیار تام برای هر نوع تصرفی در نوشته خود می‌دهد و او نیز سر و صورتی خیلی بهتر از آنچه در توان صاحب اثر است بدان اثر می‌بخشد تا حدی که بعضاً می‌توان گفت آن را بازنویسی می‌کند. حتی ممکن است شعری را به صورتی خوشتر از آنچه خود شاعر گفته درآورد. در چنین حالی، تعامل صاحب اثر و ویراستار، در واقع، بیرون از حوزه اصول و آیین ویراستاری متعارف است و این استثنا هرگز نباید در عالم ویراستاری خود یک قاعده و ملاک و میزان واقع شود و در اثبات فواید ویراستاری بدان استناد و استشهاد کرد و گفت که مثلاً فلان ویراستار در نوشته‌ای تصرفاتی کرد و آن نوشته چنین و چنان شد. از این استثنا که بگذریم، بیرون از حوزه ویرایش به معنی اصطلاحی، تنها کاری که ویراستار می‌تواند بکند پیشنهاد دادن است، و قبول یا رد آن با صاحب اثر است.

حد و مرز ویرایش به معنی اصطلاحی آن یا ویرایش مجاز در هر یک از جوانب سه‌گانه‌ای که در بند اول گفتیم و با صرف نظر از بعضی جزئیات که باید موزد به مورد در آنها بحث کرد از این قرار است:

در جنبه اول یا به اصطلاح آنچه مربوط به حوزه ویرایش فنی است، ویراستار تا حدود بسیار زیادی مبسوط‌الید است. او می‌تواند علائم نگارشی مرسوم و متعارف را اعمال کند، فهرستهای گوناگون را استخراج نماید، ضبط اسامی و اصطلاحات و نحوه ارجاعات را یکسان سازد، و اموری دیگر از این قسم را که همه در زیبایی ظاهری نوشته و سهل‌الوصول ساختن مندرجات آن بسیار مؤثرند براحتی در آن روا دارد.

در مرحله دوم یعنی آنچه مربوط به جنبه ادبی و نگارشی نوشته است، میدان عمل ویراستار محدود می‌شود. او تنها می‌تواند غلطهای مسلم نگارشی را تصحیح و اغلاقتها و ابهامهای مسلم را رفع کند. مقصود اغلاقتها و ابهامهای متن در نسبت با سطح سواد خواننده نیست، بلکه اغلاقتها و ابهامهایی است که در خود عبارات وجود دارند و عیب خود آنها محسوب می‌شوند، خواننده هر که باشد. ویراستار در اینجا حق دارد که حتی بدون مشورت با نویسنده و در جریان گذاشتن او این ابهامات را -البته با رعایت کامل سبک نویسنده- برطرف کند.

## خدمات و خدمات ویراستاران

سید محمد حکاک

از منظر این مقاله، در هر متنی -خصوصاً اگر به صورت کتاب باشد- سه جنبه قابل تشخیص است:

الف) ساختار ظاهری، یعنی طرح جلد، نوع حروف، آرایش صفحات، رسم‌الخط، علائم نگارشی، پاراگراف‌بندی، تقسیمات، عناوین، فهرستها، ارجاعات و....

ب) جنبه ادبی، یعنی مسئله انطباق نحوه نگارش متن اولاً با قواعد درست‌نویسی و ثانیاً با قواعد زیبانویسی.

ج) جنبه علمی، یعنی اگر متن ترجمه است مسئله انطباق آن با اصل و اگر تألیف است موضوع صحت و اتقان و تناسب آن. مقصود از تناسب سازگاری نحوه بیان مطالب است از لحاظ ورود و خروج و ترتیب و ابواب و فصول و حجم نوشته با محتوای آن و هم سازگاری محتوا و شیوه بیان با میزان دانش و زبان مخاطب و مقتضیاتی دیگر.

بیداست که هر قدر متنی در این سه جنبه -خصوصاً دو جنبه اخیر- بهتر باشد، مطلوبتر، دلپذیرتر، خواندنی‌تر و ماندنی‌تر خواهد بود.

ویرایش یک متن یعنی اصلاح و ارتقاء آن از هر سه جنبه یاد شده و ویراستار کسی است که چنین می‌کند. بنابراین باید وجود او و کار او را مغتنم شمرده و منت‌پذیر او بود. منتهی باید دانست که این معنی از ویرایش، در واقع، معنی عام آن و همان

در مرحله سوم یعنی آنچه متعلق به محتوای نوشته و در حیطه ویرایش علمی است، حوزه عمل ویراستار از مرحله دوم هم محدودتر است. اختیار او، در نوشته‌های تألیفی، تصحیح اغلاط مسلمی از قبیل ابن سینا را شاگرد خواجه نصیر دانستن و حکومت زندیه را مقدم بر حکومت صفویه شمردن؛ و، در نوشته‌های ترجمه‌ای، تصحیح موارد عدم انطباق ترجمه با اصل است.

در هر یک از مراحل سه‌گانه فوق فراتر رفتن از حدود مذکور ممنوع و از مقوله ویرایش اصطلاحی بیرون و بنابراین تنها به اذن صاحب اثر مجاز است، از جمله به این دلیل که مسئولیت نوشته با صاحب آن است و در بعضی نشریات نظیر مجلات به این معنی اصلاً تصریح هم می‌شود. و با این تصریح، تصرفات بیجا دیگر خیلی عجیب است. البته پیشنهاد دادن ویراستار امری مفید و لازم است.

در ویرایش فنی، مثلاً، اگر جمله‌ای دارای معانی مختلف و همه آن معانی مورد نظر نویسنده است و اعمال علائم نگارشی موجب حصر آن معانی در یک معنی می‌شود، قطعاً اعمال آن علائم مجاز نخواهد بود. این امر در نثر البته به ندرت اتفاق می‌افتد، اما در شعر، بسیار، و بنابراین در ویرایش شعر همواره باید مد نظر باشد. یا همچنین، هر نوع علامت‌گذاری و فهرست‌بندی که موجب برجسته کردن بعضی مطالب و اهم و مهم جلوه‌دادن آنها و خلاصه جهت‌دادن به ذهن خواننده و تغییر در فهم او از محتوا بشود، تجاوز به حریم صاحب اثر و در نتیجه تنها به اجازه او مجاز است.

در ویرایش ادبی، هر نوع اعمال سلیقه و تصرف در سبک نویسنده و آن را آماج بوالهوسی قراردادن حرام مؤکد است. اگر نویسنده‌ای متنی را مطابق با موازین زبان نوشته است و ابهامی هم در آن نیست، همین کافی است. ویراستار، اگر خود ادیب و نویسنده درجه اول هم باشد، مجاز به تغییر سبک صاحب اثر و حتی ارتقاء آن نیست. اما در شعر، ویرایش حتی آن مقدار هم که در نثر جایز است روا نیست. ابهام شعر را نباید برطرف کرد خصوصاً که بعضی آن را اصلاً از لوازم شعر و از جمله محسنات آن می‌شمرند (بحث در چند و چون و صحت و قسم این نظر البته در اینجا ممکن نیست) و اغلاط مسلم آن را نیز نباید اصلاح کرد؛ چون مسئله شعر با نثر بسیار تفاوت می‌کند. شعر پیوندی بسیار عمیق‌تر از نثر با جان‌گوینده دارد و از نهانخانه وجود او برمی‌آید. اصلاً، علاوه بر محتوا، خود شعریت شعر موضوعیت دارد. حال آنکه نثر تا حدود بسیار زیادی جنبه ابزاری برای انتقال معنی دارد و کم‌اند نویسندگانی که به خود نثرشان به عنوان نثر و به منزله یک هنر اصالت بدهند (البته نثرهای ادبی و داستانی را باید استثنا کرد) و بنابراین تعلق خاطر و تعصب چندانی نسبت بدان ندارند و در

برابر تصرفات بی‌مورد در آن کمتر حساسیت نشان می‌دهند. ولی شعر چنین نیست. شاعر، هر که باشد، شعر را پاره تن خود و فرزند خود می‌داند. در خصوص اغلاط مسلم شعر هم، تنها باید پیشنهاد اصلاح داد و البته اگر او نپذیرفت، از چاپ آن خودداری ورزید. در ویرایش علمی نوشته‌های تألیفی، از آنجا که محتوای یک نوشته بیش از جوانب دیگر آن با شخصیت صاحب آن پیوند دارد، تجاوز از محدوده ویراستاری حرمت بیشتری دارد. بله، اگر در نوشته‌ای اطناب ممل و ایجاز مخل وجود دارد، می‌توان پیشنهاد رفع آنها را به مؤلف داد، همین‌طور اگر سطح مطالب یا نحوه بیان آنها با میزان دانش مخاطب (در صورتی که متن برای مخاطب خاصی نوشته شده باشد) متناسب نباشد اما تصرف بی‌اذن خصوصاً در آراء و استدلال‌های صاحب اثر به غایت نارواست. از آنچه درباره ویرایش ادبی شعر گفتیم، نحوه برخورد با اغلاط مسلم علمی شعر هم روشن می‌شود.

ویراستاران، خواه در حوزه‌ای که تصرف وظیفه و حق آنان است، و خواه در حوزه‌ای که باید تنها به پیشنهاد اکتفا کنند، خدمات بسیار می‌توانند بکنند. این خدمات شامل حال نویسنده، خواننده، ناشر و زبان، همه می‌شود و بنابراین ویراستاران حقی بزرگ به گردن همه دارند.

هنوز کم‌اند نویسندگانی که با همه آنچه به ویرایش فنی مربوط می‌شود آشنا باشند یا اگر آشنا باشند، این‌گونه ویرایش کردن برای آنان به صورت عادت درآمده باشد. یعنی همان‌طور که می‌نویسند یا بعد از آنکه نوشتند، نوشته خود را ویرایش هم بکنند. و عادت کردن به این کار هم البته آسان نیست. چه بهتر از اینکه فردی آگاه این مهم را برای آنان انجام دهد؟ این خدمت خدمت کمی نیست، خصوصاً که ویراستار چون کارش ویراستاری است در آن بیشتر تأمل کرده و تجربه اندوخته و صاحب ذوق و سلیقه شده است و اگر ذاتاً نیز در این کار صاحب ذوق و سلیقه باشد دیگر نور علی نور است.

همچنین اندک‌اند نویسندگانی که بی‌غلط بنویسند؛ و فقط قدری بیشترند نویسندگانی که در نوشته‌های خود هیچ اغلاق و ابهامی ندارند. ویراستار کسی است که این دو عیب بزرگ را رفع می‌کند. این آیا کم خدمتی است؟ آیا اصلاح نثرهای نارسا و مغلوط که متأسفانه امروزه در نشریات و کتب خصوصاً کتب مترجم فراوان مشاهده می‌شود، واقعاً یک عمل صالح نیست و از فواید آن همگان، از نویسنده و ناشر و خواننده، بهره‌مند نمی‌شوند؟ و اصلاً این اصلاح خود از واجبات ملی و شرعی نیست؟ از این که بگذریم، در حوزه پیشنهاد نیز کدام نویسنده عاقلی از پیشنهاد‌های ویراستاری ادیب، خوش ذوق و آشنا با قواعد و ظرائف زبان روی

برمی‌گرداند و نوشته خود را از میناگریهای او محروم می‌سازد؟ در ویرایش علمی نیز - خصوصاً در کتب مترجم - خدمات ویراستاران بسیار است. بسیار معدودند مترجمانی که در ترجمه‌شان مطلقاً غلطی نباشد و کسانی هم که کم‌غلط ترجمه کنند زیاد نیستند. ویراستاران این اغلاط را تصحیح می‌کنند و قدر چنین خدمتی بر کسی پوشیده نیست.

با توجه به خدمات یادشده، برای دفاع از ویراستاران ارجمند و حفظ حقوق آنان حتماً باید در آغاز هر نوشته‌ای میزان ویرایشی که انجام داده‌اند دقیقاً ذکر شود، و این کاری است که کمتر می‌کنند. اغلب، فقط نام ویراستار ذکر می‌شود بدون اینکه معلوم باشد که سهم او در حصول ترجمه چقدر بوده است. مثلاً اگر ویراستاری ترجمه قرآنی را ویرایش علمی کرده، معنایش آن است که تمام اغلاط مترجم را تصحیح کرده است. گاه سهم چنین ویراستاری در آن ترجمه از سهم مترجم، اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست. در چنین صورتی، اگر او را به اجمال فقط ویراستار بخوانند، و کار او به تفصیل مشخص نباشد، ظلمی در حق او روا داشته‌اند. برعکس، اگر او صرفاً ویرایش فنی کرده باشد، ظلمی بر مترجم رفته است. چون عنوان اجمالی ویراستار مفید معنی ویرایش ادبی و علمی هم هست. حتی چه بهتر که در صورت امکان همراه با ذکر ویرایش ادبی یا علمی میزان کار ویراستار هم به تفصیل مشخص شود.

خدماتی که بیان شد، البته، از کسانی برمی‌آید که صلاحیت کافی در ویراستاری داشته باشند. در حوزه ویرایش فنی و ویرایش ادبی، ویراستار باید از صاحب اثر توانا تر و باذوق تر باشد. در ویرایش علمی آثار مترجم، باید از نظر زباندانی و فن ترجمه برتر از مترجم باشد، از موضوع مورد ترجمه هم اطلاع کافی داشته باشد و بر فهم آن توانا باشد، هر چند نه در حد خود مترجم. در ویرایش علمی آثار تألیفی، ویراستار باید لااقل در سطح مؤلف باشد یا اندکی پایین تر از او.

آنچه تا اینجا در باب تعریف ویرایش و محدوده آن و شرایط ویراستار و خدمات ویراستاران گفته شد، برای ویراستاران درجه اول و آنانکه با کار خود آشنایی کافی دارند، اصلاً متضمن مطلب تازه‌ای نبود. فقط یادآوری و بیان دیگری بود از مطالبی که خود بر آنها واقفند. اما آنچه از این به بعد می‌خواهم بگویم در باب آسیبهایی است که، اغلب، ویراستاران به نوشته‌هایی که زیر دستشان قرار می‌گیرد وارد می‌آورند، البته آنان که صرفاً ویراستار خوانده می‌شوند ولی آشنایی با فن خود ندارند یا دارند

ولی به اصول آن ملتزم نیستند و در وادبی فراتر از آنچه از آنان خواسته شده است گام برمی‌دارند. و البته، اکثریت قریب به اتفاق ویراستاران را هم اینها تشکیل می‌دهند. چون اکنون، به هر علتی، هر نشریه‌ای که در هر نقطه‌ای از کشور منتشر می‌شود، یا فردی با عنوان ویراستار دارد یا اگر ندارد کسی مطالب آن را ویرایش می‌کند و چنین حقی برای خود قائل است. بیان این آسیبهایی و صدمات هم شاید در مجموع برای ویراستاران درجه اول و آگاه مشتمل بر مطلب تازه‌ای نباشد (برای آنانکه خود این صدمات را می‌زنند به طریق اولی نیست)، اما هدفی و امیدی در آن هست. هدف مطلع ساختن آنان است از آنچه اکنون به نام ویرایش در کشور ما انجام می‌گیرد و از مشکلات و نگرانیهایی که در این باب وجود دارد که ویراستاران وارد و طراز اول چون به کار سالم خویش مشغولند، چه بسا اصلاً از بعضی از آنها خبر نداشته باشند. و امید به برانگیختن آنان است به حل این مشکلات و پاسداری از حیثیت و هویت صنفی خویش و آگاه ساختن همکاران از آنچه باید بدانند و بدان ملتزم باشند.

مقدمتاً بگویم که ویراستاری فی حد ذاته ملازم با صدمات نیست. به تعبیر دیگر ویراستاری در مقام تعریف یا مقام حقیقت فنی است - چنانکه دیدیم - بسیار لازم و مفید، اما ویراستاری در مقام واقع یعنی آنچه اکنون در عالم نشر در کشور ما وجود دارد با آنچه باید بسیار فاصله دارد.

به طور کلی علل وضعیت نامطلوب موجود از این قرار است: الف) صلاحیت کافی نداشتن جمع کثیری از ویراستاران. این امر در حوزه ویرایش فنی البته زیاد نیست. تقریباً همه اصول کار را می‌دانند، هر چند عده کسانی که در این کار سلیقه و ذوق عالی داشته باشند زیاد نیست. ولی به هر حال، ویراستاران در این حوزه آسیب قابل توجهی وارد نمی‌کنند. در حوزه ویرایش علمی نیز چون از طرفی میدان عمل در کتابهای تألیفی محدود است و در کتابهای مترجم نیز معمولاً از افراد مطلع استفاده می‌شود؛ و از طرف دیگر کار کاری نیست که بتوان آن را به هر ناواردی سپرد و ضعف و نقص کار خیلی زود آشکار می‌شود؛ و از جانب سوم چون اصلاً عنوان سنگین ویرایش علمی تا حدود بسیار زیادی سبب می‌شود که ناشران در انتخاب ویراستار دقت کنند؛ آری همه این امور تا حدود بسیار زیادی مانع از وارد آمدن صدمات به متون می‌گردد، مگر آنجا که ناشر بی‌مبالاتی همه این مسائل را نادیده بگیرد، که متأسفانه این مورد نیز برای نگارنده مشهود بوده است. اما بیشترین صدمات ویراستاران در حوزه ویرایش ادبی است. ویرایش ادبی نه سهولت ویرایش فنی را دارد که ویراستار ناشی در

ویراستاری برای اغلب ویراستاران - چه رسد به غیرویراستاران - معلوم نیست. بنابراین بسیاری از ناشران (صرف نظر از ناشران درجه اول که عده آنها اندک است) و نیز آنان که به ویراستاری خوانده می‌شوند، آنرا سهل و کاری فرعی می‌پندارند. غالباً مشاهده می‌شود که ناشران کار ویرایش را به افراد ناوارد می‌سپارند، و حتی گاه خود بدان می‌پردازند. ویراستاری در کشور ما از جمله مشاغل و فنونی است که افراد ناآگاه و کم‌اطلاع در آنها فراوانند و متأسفانه این ناآگاهی هم برای همه کس نمایان و حساسیت‌انگیز نیست، برخلاف بعضی مشاغل دیگر. اغراق نیست اگر بگوییم که امروزه ناشران و صاحبان نشریات بسیاری وجود دارند که سنت ویراستاری را پذیرفته‌اند، ولی تنها برداشتی که از آن دارند حق اعمال تغییر و تصرف در متون است و از لوازم آن بی‌اطلاعند یا درباره آن نمی‌اندیشند. ویراستاران قابل و درجه اول کشور برای حفظ حیثیت صنفی خود هم که شده است باید فکری برای این مشکل بکنند.

✱

آنچه گفتیم همه مربوط به ویراستاری در مقام واقع است، نه در مقام تعریف و حقیقت. بدیهی است که مقصود ما آن نیست که با استناد و استشهاد به واقعیت نتیجه بگیریم که ویراستاری کاری عبث و زیان‌آور است. ولی متأسفانه آنچه اکنون غالباً در مقام واقع به عنوان ویرایش صورت می‌گیرد، و ما آنرا به صدمات ویراستاری تعبیر کردیم، و نمونه‌های بسیار برای آن می‌توان ذکر کرد، سبب شده است که ویراستار برای صاحب نوشته، اعم از تألیف و ترجمه، بیشتر موجودی مزاحم جلوه کند تا کسی که رسالت او تصرف در نوشته صرفاً به قصد پیراستن آن از اغلاط و سهوها و نادرستیهای دستوری آن است.

آن کمتر یافت شود و نه صعوبت ویرایش علمی را که همه کس جرأت ورود در آن را نداشته باشد یا ناشر بتواند آنرا به هر کسی بسپارد. بلکه حوزه‌ای است که هر ویراستار و حتی غیرویراستاری خود را در آن صاحب نظر می‌داند، در عین اینکه صلاحیت کافی در آن ندارد. و بسیاری از ناشران و حتی مدیران مجلات و بالاتر، مدیران مجلات تخصصی نیز در انتخاب ویراستار ادبی چندان دقت و حساسیتی نشان نمی‌دهند. شاید نهایت دقتی که می‌کنند سپردن کار باشد به یک لیسانسیه ادبیات فارسی. حال آنکه میان اطلاعات یک لیسانسیه ادبیات فارسی امروزی، با ظرافتها و دقتهای نگارش و نویسندگی و حتی گاه درست‌نویسی، تفاوت بسیار است.

ب) ناآشنایی ویراستاران با تعریف و آداب و حدود و مرز ویراستاری: به همین علت، آنان خود را مجاز به هر نوع تصرفی در نوشته‌ها می‌دانند.

ج) عدم التزام ویراستاران به آداب ویراستاری. آری، ویراستارانی هم هستند آشنا با حد و مرز و وظایف خود، ولی غیر ملتزم به آنها، شاید به علت آشفتگی بازار ویرایش.

د) سهل‌گیری در کار ویرایش. همه علل سه‌گانه فوق، خود در واقع ناشی از این علتند. اگر ویراستاران بسیاری هستند که صلاحیت کافی ندارند و به ویرایش می‌پردازند، اگر ویرایش به افرادی سپرده می‌شود که با تعریف و حدود و آداب آن ناآشنایند، یا اگر آشنایند التزامی به آن ندارند، همه اینها معلول روحیه سهل‌انگاری در کار ویرایش است از ناحیه اکثر کسانی که دست‌اندرکار نشوند. هنوز در کشور ما دشواریها و ظرافتهای

از انتشارات مرکز نشر دانشگاهی

● برخی مقاله‌ها:

- گونه‌های رنگ در زبان فارسی / ایرج افشار
- درآمدی به مکالمه کاوی / مجید باغبینی‌پور
- بررسی توصیفی - تطبیقی سه فرهنگ عمومی فارسی / منیژه گازرانی
- مروری اجمالی بر تابوی زبانی و انواع آن / میترا معدنی
- پیوستگی و همبستگی متن یا انسجام و ارتباط مطالب در زبان فارسی / گیتی تاکی
- جزء واژگی چیست؟ / محمدرضا رضوی
- نظریه اطلاعات و تقریبهایی از زبان فارسی / مهدی ملک‌آرانی و شهریار بروجردیان
- توصیف واجی گویش سیستان (حوزه مرکزی شهر زابل) / غلامرضا عمرانی
- بررسی گویش بویر احمد و... / علی اشرف صادق
- روی دیگر زبان / رضا نیلی‌پور

مجله زبانشناسی

سال چهاردهم، شماره اول و دوم